

## علل و انگیزه های خشونت و پرخاشگری در اغتشاشات و آشوبگری از منظر روانشناختی

احمد نورعلی<sup>۱</sup> - رسول صالحی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۱۱

### چکیده

امنیت هر جامعه ای از مهمترین عوامل حیاتی در بقای کشور و حفظ حاکمیت ارضی و سیاسی آن می باشد که در هر کشوری می بایستی این امنیت با ابزارهای مختلف به صورت پایدار حفظ و استمرار داشته باشد. در بسیاری از مواقع وقوع بحران هائی از قبیل خشکسالی، تورم و وضعیت نامناسب اقتصادی و سیاسی، فساد مدیران اداری، نارضایتی های قومی و مذهبی، مسائل زیست محیطی و ... موجب وقوع نارضایتی و شکل گیری تجمعات و اغتشاشات می گردد که در طول سال های اخیر نمودهایی از آن به کرات در کشور مشاهده شد. وجود و ظهور علل و عوامل مختلف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، جامعه شناختی، روانشناختی و... در بروز اغتشاشات، شورشگری و آشوب های منجر به تخریب و... نقش اساسی و تعیین کننده دارند که هر کدام در جای خود محل بحث و بررسی قرار می گیرند. نتایج حاصل از مطالعات نظری و میدانی در حوزه اغتشاشات شهری در ایران نشان می دهد خشونت گرایی معترضان و سایر افراد حاضر در صحنه، نقش تعیین کننده ای در بروز و توسعه ناآرامی های شهری و مدیریت آن دارد و این عامل می تواند پدیده طبیعی رفتارهای جمعی اعتراض آمیز را به سمت یک بحران جدی امنیتی سوق دهد. در پژوهش زیر انتظار می رود علل و انگیزه های این تخریب ها و شورشگری در اغتشاشات از منظر روانشناختی بررسی، و به منظور ارائه روش های تأثیرگذاری بر خشونت گرایی معترضان و سایر افراد حاضر در صحنه، نخست نسبت به تعریف اصطلاحاتی از قبیل (تجمع - اغتشاش - تخریب - شورشگری و...) پرداخته و سپس مفاهیم نظری مورد بررسی قرار خواهد گرفت امید است که مورد توجه استاد محترم قرار گرفته و همچنین در برآوردهای اطلاعاتی دستگاههای امنیتی ناجا مورد بهره برداری لازم قرار گیرد.

**واژگان کلیدی:** تجمع، اغتشاش، آشوب، شورشگری، تخریب، روانشناختی

۱- کارشناس ارشد علوم اجتماعی

۲- کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی،



## مقدمه

سیراغتاشات و ناآرامی ها در کشور ، نشان می دهد پس از هر سال ناآرامی خشونت آمیز تنها به طور متوسط ده سال آرام و مسالمت آمیزی شده است اما در دهه اخیر این ناآرامی ها سیر صعودی داشته و متأسفانه از هر ده سال یکبار به دو سال یکبار تبدیل شده است . همچنین دامنه اغتشاشات از شهرهای بزرگ به محله ها کشیده شده است کما اینکه شدت تخریب و روش های ظهور و بروز خشونت نیز رشد بی رویه و نگران کننده ای به همراه داشته است . بازخوانی ادبیات پژوهشی کنش های اعتراض آمیز شهری آشکار می سازد که این قلمرو پژوهش ها ، مطالعات و بررسی های متعدد و متنوعی را به خود اختصاص داده است . افزون بر آن ، اهمیت این گونه کنش ها در زندگی و حیات اجتماعی و سیاسی شهروندان موجب شده است تا در این قلمرو رویکردهای نظری مختلفی صورت بندی شود . از طرفی بسترهای وقوع بحران در هر جامعه ای به مؤلفه های مختلفی که مخصوص آن جامعه است بستگی دارد . نابسامانی های اقتصادی ، طبقاتی ، فرهنگی و سیاسی از جمله رایج ترین علل بروز بحران و اغتشاش در جوامع امروزی است ؛ ولی از آنجا که سیاست های مستقل برخی کشورها باعث به چالش کشیدن هژمونی قدرت های بزرگ جهانی می شود یکی از حربه های این قدرت ها برای به زانو درآوردن کشورهایی است که با سیاست های آنها همسو نیستند . تهدیدهای نرم ، یکی از مؤثرترین شیوه های ایجاد بحران برای این کشورهاست و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان پرچمدار مبارزه با استکبار جهانی از این قاعده مستثنی نیست و سال ها است که آماج تهدیدهای نرم دشمنان بوده است لذا در این راستا با وضعیت نابسامان اقتصادی و گاهاً سیاسی کشور در طول سال های اخیر که به دلایلی نظیر سوء مدیریت ها ، فساد اداری ، تورم و نابسامانی قیمت سکه ، ارز و حامل های انرژی و خشکسالی های مکرر و... بوده است مجال سوء استفاده معاندین ، فرصت طلبان و دشمنان قسم خورده خارج نشین مخالف نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران را فراهم آورده تا آنان نیز از بستر این گونه تجمعات به عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف شوم خود موج سواری نمایند.

## طرح مسئله

با بررسی علل مشارکت کنش گران اجتماعی در آشوب دو نوع جهت گیری مشاهده می شود ؛ یکی بینش جبری که بر تأثیر عوامل انفرادی (ویژگی های روان شناختی و شخصیتی) یا بر تأثیر عوامل اجتماعی، فرهنگی تأکید می کند؛ آن چنان که گویی فرد هیچ اختیاری از خود ندارد و ناگزیر از تحمل انفعالی تأثیرات وضعیت درونی یا بیرونی است. جهت یابی دوم ، متأثر از بینشی کنش گرایانه (گزینش عقلانی) است و ایده انقیاد انفعالی رفتارها به وضعیت های درونی (روان شناختی) یا بیرونی (اجتماعی - فرهنگی) را رد کرده و فرد را به عنوان کنش گری مختار و قادر به مداخله در آشوب و ختنی کردن ضرورت های



این جبر و انفعال می شناسد . این گونه اغتشاش ها از خصوصیات زندگی اجتماعی انسان هاست و اغلب از یک حادثهٔ دفعی یا با سابقهٔ قبلی یا یک تجمع کوچک چند نفره آغاز می شود ؛ اما آنچه که با توجه به سیر صعودی و رو به تزاید اغتشاش ها و آشوب های شهری مطرح و مایهٔ نگرانی است ، شکل حوادث و پدیده های خشونت آمیز اخیر در برخی شهرها در حوادث دی ماه ۹۶ و آبان ماه ۹۸ می باشد. این شرایط پرسش های اساسی را به ذهن متبادر می کند ، به طور مثال دلیل به وجود آمدن این پدیده های خشونت آمیز که عامل تهدید امنیت داخلی کشور و برهم زندهٔ نظم اجتماعی است و در صورت عدم کنترل می تواند به خشونت سیاسی مفرط تبدیل گردد ، چیست؟ چگونه می توان آن را تحلیل و بررسی کرد؟ ریشهٔ این حوادث و رخدادها کجاست؟ و سازوکارهای گسترش این شورشگری ها و تخریب ها از نظر روانی چیست؟ راههای مدیریت بحران و روش های جلوگیری و مقابله با تجمعات غیرقانونی و اغتشاشات چگونه می باشد و پلیس در این میان چه نقش ایفا می نماید؟

### اهمیت و ضرورت

انسان ها موجوداتی پیچیده اند که وجودشان از عوامل متعددی شکل گرفته و همین طور عوامل مختلفی وجود دارد که بر رفتار آنها تأثیر و شخصیت آنان را تشکیل می دهد؛ به همین دلیل انسان ها موجودات ناشناخته ای هستند . عواملی که انسان را به صورت فردی کاملاً پرخاشگر ، خشن و طغیانگر جلوه می دهند و عدم توجه به موقع به این گونه عوامل و پدیده ها از طرف مسئولان و کارگزاران دولتی ، زمینه و بسترهای هنجار شکنی ، بی قانونی و بروز اغتشاش و زیان های مادی و معنوی را برای کلیت جامعه و حکومت فراهم می آورد ؛ برخی از این عوامل مهم عبارتند از عوامل اجتماعی ؛ مانند اختلافات مذهبی ، نژادی و زبانی ، عوامل اقتصادی از قبیل وجود تبعیض و نابرابری در تحصیل امتیازات از طرف حکومت ، عوامل سیاسی مانند عملکرد سوء و نامطلوب کارگزاران ، تحریک مردم به آشوب از سوی افراد ذی نفوذ برای به دست آوردن قدرت ، رأی مردم و استفاده ابزاری از آنان به عنوان اهرم فشار بر حکومت برای کسب قدرت و رسیدن به هدف، قدر مسلم هیچ حکومتی قادر نیست تا کلیه مطالبات شهروندان را برآورده سازد ؛ بنابراین دستگاههای دولتی همواره با نیازهای ارضاء نشدهٔ شهروندان مواجه می باشند . نیازهایی که در کف خیابان ها و سطح شهرها با تخریب و شورشگری با مسدود کردن راهها و سد معبر ، آتش زدن اموال عمومی و خصوصی ، بانک ها ، پمپ بنزین ها و ادارات دولتی و... کشته و مجروح نمودن انسان ها و تحمیل هزاران و میلیون ها تومان هزینه مادی به دولت و مردم دنبال می شود . فلذا نظر به سوابق تلخ اغتشاشات دی ماه ۹۶ و آبان ماه ۹۸ با توجه به وضعیت نابسامان اقتصادی کشور ، گرانی ، تورم و شرایط ناشی از کرونا و به تبع آن شکل گیری تجمعات در سراسر کشور ضرورت و اهمیت انجام این پژوهش آشکار می گردد. (دستمالچی ، ۱۳۹۴)



### پیشینه و سوابق پژوهش

نظر به نو بودن موضوع پژوهش و محرمانه بودن اطلاعات در این خصوص سوابق اندکی موجود می باشد. فلذا پژوهش های محدودی در باب اغتشاشات انجام شده است لکن تاکنون هیچکدام به بررسی علل و انگیزه های تخریب و شورشگری در اغتشاشات و آشوب های شهری از منظر روانشناختی نپرداخته است.

### روش و ابزار تحقیق

حاصل گردآوری از کتب و پژوهش های صورت گرفته عمدتاً سازمان های اطلاعاتی، انتظامی و پژوهش های مکتوب و علمی اندیشمندان می باشد.

مبانی نظری

جمعیت: در مفهوم ساده و لغوی جمعیت به عده افرادی اطلاق می شود که در یک قلمرو ( شهر، محله، ده) با آداب و سنن مشترک زندگی می کنند.

ازدحام: تجمع موقتی است که به سبب یک حادثه یا یک موضوع خاص که اقتضای اقدام دسته جمعی را دارد به وجود می آید.

نارضایتی: نارضایتی بیان خواسته ها و درخواست های مردم بدون داشتن رنگ سیاسی است که شامل طومار نویسی، تظاهرات در حد محدود و ... می باشد.

اعتصاب و تحصن: عبارت است از تجمع افراد در یک نقطه و یا دور از یک نقطه و یا تعطیل کردن کار و بست نشستن در یک مکان تا رسیدن به خواسته خود...

تظاهرات ( میتینگ ): عبارت است از گرد آمدن افراد به منظور نشان دادن علاقه و یا ابراز تنفر نسبت به مقام رسمی یا شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور که معمولاً توسط سازمان و یا احزاب سیاسی رهبری می شود و معمولاً به دو شکل قانونی و غیر قانونی بروز پیدا می نماید.

نکته: به شکل قانونی تظاهرات راهپیمایی گفته می شود.

اجتماع قانونی: اجتماعاتی که مجوز از مقامات ذی صلاح دارند یا تجمع آنان یک امر اجتماعی طبیعی تلقی می شود.

اجتماع غیر قانونی: اجتماعاتی که مجوز از مقامات ذی صلاح ندارند یا تجمع آنان یک امر اجتماعی طبیعی تلقی می شود.

اغتشاش: در لغت به معنای آشفتن، آشفته شدن و در اصطلاح به معنای شرایطی که جامعه از حالت عادی خارج می شود، به عبارتی اقدام شدید دو نفر یا بیشتر برای برهم زدن آرامش عمومی جامعه.



الیاسی و همکاران ، ۱۳۸۸)

**آشوب:** عبارتست از طغیان مردم علیه حکومت که هنوز به یک جنگ داخلی تبدیل نگردیده است .  
**شورش:** شورش به معنای به هیجان آمدن و پریشان کردن است و در اصطلاح، اقدام همراه با خشونت دسته ای از افراد که در مقابله با نظام حاکم بر هر مجموعه ای اتفاق می افتد و با خود بی نظمی و ناامنی به همراه دارد.

### نظریه ها و رویکردهای روانشناختی اغتشاشات

به منظور تسهیل در درک ماهیت روانشناختی کنش های اعتراض آمیز و اغتشاشات شهری نظریه ها و رویکردهای صورت گرفته به شرح زیر می آید و در ادامه اصول موضوعه هر یک از نظریه ها در خصوص ماهیت ، علل و فرایند پدید آیی کنش های اعتراض آمیز شهری و اغتشاشات مرور می شوند.

۱- نظریه توده های گوستاو لوبون<sup>۱</sup>

۲- نظریه رفتار جمعی اسملر<sup>۲</sup>

۳- نظریه همگرایی جمعی هوفر<sup>۳</sup>

۴- نظریه هنجار نوحاسته ترنر و کیلیان<sup>۴</sup>

۵- نظریه فردیت زدایی زیمباردو<sup>۵</sup>

۶- نظریه محرومیت نسبی رابرت گر<sup>۶</sup>

### ۱- نظریه روان شناسی توده لوبون

لوبون را نخستین نظریه پرداز می دانند که به صورت دقیق به مطالعه پیرامون کنش های جمعی پرداخته است از همین رو به باور مولفان و محققانی همچون تایلور و دیگران (۲۰۰۰) او را باید از پیشگامان مطالعه علمی و نظام مند کنش های جمعی و روانشناسی توده ها تلقی کرد . اهمیت کار لوبون به ویژه از آن رو است که از دیدگاه روانشناختی به مذاقه در روانشناسی توده ها و کنش های جمعی پرداخته است . او معتقد است که بدون آگاهی ژرف و عمیق از ماهیت روانشناختی توده ها حکم راندن بر توده های مردم دشوار و یا حتی ناممکن است . توده از منظر روان شناسی عبارت است از جماعتی از انسان ها که تحت شرایط خاصی و تنها تحت همین شرایط ، گرد هم می آیند و ویژگی های جدیدی کسب می کنند که با

1- Gustave Lebon  
 2- Asmler  
 3- Hoover  
 4- Turner and lawyers  
 5- Zimbardo  
 6- Robert Ger



ویژگی های تک تک آنها تفاوت دارد. در این شرایط، شخصیت خودآگاه فرد ناپدید می شود و احساس ها و افکار تمامی افراد توده همسان و همسو می شود. (ترجمه خواجهی ها، ۱۳۸۴، ص ۴۵) بنظر لوبون عامل اصلی مولد و هدایت گر رفتار افراد به هم پیوسته (توده)، سائق ها تمنیات و احساس های به شدت مشابه آنان است و نه هوشمندی و عقلانیت آنان. بنابراین به اعتقاد وی توانمندی های عقلانی و نیز شخصیت افراد در درون روح عمومی توده محو می شود. ناهمگونی ها در همگونی غرق می گردند و ناخود آگاه افراد بر آنان حکم می راند. (ص ۵۰)

### ۱-۱- ویژگی های توده از نظر لوبون

الف- نخستین ویژگی توده (گروه تجمع کننده) از نظر لوبون، "احساس قدرت مغلوب نشدنی" است به باور او افراد معترض با قرار گرفتن در کنار دیگران و شکل دهی توده احساس می کنند که از توان و قدرت فوق العاده ای برخوردارند و کس یا گروهی را یارای مقاومت در برابر آنان نیست. با این وجود هر چقدر تعداد افراد تجمع کننده بیشتر باشد و آنان بیشتر احساس گمنامی کنند به همان میزان رفتار و واکنش تجمع کنندگان شدیدتر و غیر عاقلانه تر خواهد بود.

ب- دومین ویژگی توده تجمع کننده، "تحریک پذیری و تکانش گری" است. به باور لوبون کردار توده از نخاع شوکی افراد آن نشئت می گیرد و نه از مراکز عالی مغز آنان. به همین منظور توده همچون گویی است در دست تحریکات دنیای خارج از تک تک افراد و توده بنده تحریکات دریافتی است و قادر نیست بر دریافت های خود تسلط پیدا کند به همین سبب به شدت تحت تاثیر محرک های آنی قرار می گیرد.

ج - سومین ویژگی توده " تلقین پذیری شدید" است. از نظر لوبون هر جماعتی که خاصیت توده را پیدا کند تلقین پذیر می شود و برای تبیین تلقین پذیری توده به ویژه توده معترض از استعاره اسب و آخور و تقلید در گوسفندان استفاده می کند. به زعم لوبون توده معترض پس از مدتی دچار یک توهم جمعی می شود و این توهم جمعی را حاصل مغناطیسم گروهی می داند یعنی تمام معترضان گویی دچار نوعی هیپنوتیزم می شوند. وی همچنین برای تبیین تلقین پذیری توده از اصل سرایت جمعی استفاده می کند به باور او ویژگی ها و احساسات یک توده اعتراض گر همانند ویروس سرما خوردگی به سرعت در بین آنها منتشر می شود به ویژه او تاکید می کند که شعارها و اورادی که معترضان به دنبال لیدرهای خود سر می دهند به سرعت روحیه هیجان طلبی و تمایل به خشونت گری را در میان آنان رواج می دهد.

امروزه از مفهوم سرایت جمعی لوبون عمدتاً با عنوان هیستری جمعی یاد می شود. به باور زاجونس<sup>۷</sup> (۱۹۸۷) هیستری جمعی زمانی پدید می شود که گروهی از افراد جامعه بر اثر پیام های دارای بار هیجانی و متاثر از ضرباهنگ های مختلف مهار خویشتن را از دست بدهند و به گونه ای برانگیخته و غیر خرد



ورزانه عمل کنند.

سینگر<sup>۸</sup> و دیگران (۱۹۸۲) پدیده سرایت را بر اساس فرایند مقایسه اجتماعی تبیین می کنند. به باور آنان چون فضای بسیاری از ازدحام ها مبهم است، فرایند مقایسه اجتماعی موجب می شود تا افراد هنگام تعبیر موقعیت به شدت به واکنش دیگران اتکا کنند. فورسایت<sup>۹</sup> (۱۳۸۰) به نقل از بلومر برای تسهیل درک فرایند واکنش های درونی و سرایت جمعی سرایت وحشت زدگی از یک فرد به گروهی از افراد را مثال میزند.

د - چهارمین ویژگی توده معترض از نظر لوبون "مبالغه و یکجانبه گرایی" است. به باور لوبون احساسات توده از دو خصیصه سادگی زیاد و مبالغه آمیز بودن افراطی برخوردار است که احساس مبالغه آمیز یک گروه معترض نیز، به سرعت از طریق تقلید و سرایت انتشار می یابد و همه تجمع کنندگان را در برمی گیرد.

و- "برتری جوی" پنجمین ویژگی توده از نظر لوبون است به زعم لوبون توده های معترض احساس می کنند که از حیث ایدئولوژیکی و اعتقاد برتر و مهم تر از دیگران هستند آنان عقاید و ایدئولوژی های دیگران را به دید حقارت می نگرند. چنین احساسی موجب تقویت حس سازش ناپذیری توده معترض است این دو احساس نیز به نوبه خود موجب تمایل به ویرانگری و تخریب در آنان می شود.

ر - ششمین ویژگی توده معترض "برخورداری از اخلاقیات ویژه" است. توده معترض از یک سو در برابر گروه یا حکومتی که علیه آن دست به اعتراض زده است خشن، بی رحم، قسی القلب و فاقد مدارا و تساهل است اما از سویی دیگر همین توده در برابر رهبران خود مطیع و فرمانبر و در برابر سایر معترضان فداکار و از خود گذشته است او حتی حاضر است جان خود را در برابر توهنات رهبران معترض فدا کند.

### ۲-۱- بازخوانی یافته های پژوهشی جدید

بررسی های مختلف (برای مثال فرانزوی، ۲۰۰ و میرز، ۱۹۹۹) نشان داده است که برخی عوامل برخی عوامل موجب افزایش همرنگی و تقلید مردم می شود. برخی از آن عوامل عبارت اند از: اتفاق نظر اعضای گروه. هر چقدر اتفاق نظر میان اعضای گروه بیشتر باشد احتمال همنوایی دیگران با آنان بیشتر است.

عزت نفس فرد. افرادی که از عزت نفس کمتری برخوردارند بیشتر از دیگران از خود همنوایی نشان می دهند.

8- Sanger  
9- Foresight



اهمیت اعزای گروه برای فرد . هرچقدر اعضای گروه از نظر فرد مهمتر باشند احتمال هم‌رنگی فرد با آنان بیشتر است.

قابل مقایسه بودن افراد گروه با فرد. هرچقدر اعضای گروه شباهت بیشتری با فرد داشته باشند. هم‌نواپی بیشتر است.

احساس امنیت حاصل از هم‌نواپی. چنانچه هم‌نوا شدن با گروه بر امنیت فرد بیفزاید او بیشتر هم‌رنگی نشان می‌دهد.

انسجام گروه . گروه دارای انسجام بیش از سایر گروهها قادر است دیگران را وادار به هم‌نواپی کند. شرایط بحرانی . در شرایط بحرانی و نیز زمانی که موقعیت دارای ابهام است بر میزان هم‌نواپی افراد افزوده می‌شود.

حمایت اجتماعی . زمانی که فرد احساس کند با پیوستن به جمع از حمایت آنان برخوردار خواهد بود . (الیاسی، ۱۳۸۰)

## ۲- نظریه رفتار جمعی اسملر

اسملر (ترجمه داژکام ۱۳۸۰) برای تبیین کنش های اعتراض آمیز و رفتارهای بحران زا نظریه ای ارائه داده است که به نظریه رفتار جمعی اشتهاار یافته است . منظور او از رفتار جمعی کنشی است که از سوی گروهی از افراد جامعه به وقوع می‌پیوندد و اغلب ماهیتی هیجانی و انفجار آمیز دارد و نظم مستقر را دست خوش اختلال می‌سازد.

اسملر در ذیل مفوم رفتارهای جمعی اعتراض آمیز ، چهار دسته واکنش زیر را جای می‌دهد :

۱- وحشت زدگی

۲- هیجان جمعی (هیستری جمعی)

۳- طغیان خصومت آمیز (شورش)

۴- جنبش معطوف به هنجار

۵- جنبش معطوف به ارزش

منظور اسملر از وحشت زدگی نوعی رفتار جمعی است که بر اثر یک عامل تهدید کننده واقعی یا خیالی پدید می‌آید و در نتیجه گروهی از افراد جامعه مبادرت به اعمالی نظیر گریز و یا ستیز هیجانی شدید می‌نمایند . به عبارت دیگر ، گروهی از افراد جامعه دچار هراس و سراسیمگی میشوند که ممکن است برای غلبه ناهشیارانه بر وحشت زدگی خود ، به اعمال شدید و خشونت آمیز دست بزنند. (اشنایدر، ۲۰۰۱)

هیجان (هیستری) جمعی نیز به واکنش های احساسی و غیر خردمندانه گروهی از افراد جامعه اطلاق می‌شود که پیامدهای روانشناختی مختلفی در پی دارد . فور سایت (ترجمه نجفی زند و پاشا شریفی ، ۱۳۸۰) هیستری جمعی را عمدتاً محصول شایعات می‌داند . به زعم او پایه و اساس هیستری جمعی را شایعات





تشکیل می دهند. شیوع خودجوش افکار، احساسات یا اقدامات نابهنجار در یک گروه یا جمع، از جمله بیمارهای روان زاد، توهنات معمولی و رفتارهای عجیب و شگفت آور، همه محصول شایعات است. طغیانهای جمعی (آشوب، بلوا، اغتشاش، شورش) نیز به آن دسته از واکنش های جمعی گفته می شود که اغلب خشونت آمیز، پرخاشگرانه و اعتراض آمیز هستند. گرچه شدت و ضعف و دامنه استمرار هر یک از این طغیانها از دیگری متفاوت است اما همه آنها موجب پدید آیی بحران و نقص امنیت عمومی می شوند و نظم موجود را دستخوش اختلال می سازند.

به اعتقاد اسملر شش دسته عوامل موجب شکل گیری و بروز رفتارهای بحران زای جمعی می شوند. آن عوامل عبارتند از:

- ۱- شرایط مساعد ساختاری: جامعه و نهادهای آن تا چه میزان وقوع برخی اعتراضات را مجاز تلقی می کنند.
- ۲- فشار ساختاری: پتانسیل بروز نارضایتی و اعتراض در شهروندان جامعه است.
- ۳- رشد و انتشار عقیده تعمیم یافته: کنش جمعی پیش از آنکه بتواند باعث بازسازی موقعیت شود باید برای کنش گران معنا دار شود.
- ۴- عوامل تسریع کننده: باید یک یا چند عامل، فرصت تبدیل ایده به عمل را فراهم سازند.
- ۵- بسیج توده ها
- ۶- میزان کنترل اجتماعی

### ۳- نظریه همگرایی هوفر

سومین دیدگاه تبیین کننده کنش های جمعی بحران زا دیدگاه همگرایی است. هوفر (۱۹۸۱) که از بانیان دیدگاه همگرایی است معتقد است افراد شرکت کننده در یک کنش بحران آفرین صرف نظر از وجوه افتراقی که از حیث هوش، شخصیت، اقتصاد و جز آن دارند دارای یک یا چند ویژگی مشترک برجسته ای هستند که موجب پیوستگی و انسجام می شود به باور او، یک اجتماع معترض صرفاً گرد هم آمدن اتفاقی عده ای غریبه و نا آشنا نیست بلکه تجمع عده ای از افراد ناراضی و معترض است که دست کم برخی انگیزه ها و نیازها و هیجانات آنان مشترک است. از نظر حامیان دیدگاه روان تحلیل گری فروید انگیزه های جنسی و تمایلات پرخاشگرانه از مهم ترین عواملی است که گروهی از افراد را گرد هم می آورد و آنان را برای انجام رفتارهای مخل امنیت دیگران بر می انگیزاند. (بارون، ۲۰۰۰) به باور آنان در موقعیت های گروهی، کنترل افراد گروه به رهبر گروه منتقل می شود، به همین سبب آنان آزادانه و بدون احساس گناه مبادرت به رفتارهای مخل امنیت عمومی می نمایند.



#### ۴- نظریه هنجار نوحاسته ترنر و کیلیان

چهارمین دیدگاه تبیین کننده کنش های جمعی گروه های بحران آفرین ، دیدگاه هنجار نوحاسته است. این دیدگاه بر اساس مطالعات مظفر شریف و توسط ترنر و کیلیان (۱۹۸۷) ارائه شده است . بر اساس این دیدگاه ، کنش گران معترض و مخل امنیت ، برای مثال گروههای اوپاش و تماشاچیان اخلاکگر فوتبال ، در بین خود هنجاری بوجود می آورند و همه آنان به آن هنجار گردن می نهند. بنابراین ، گر چه این هنجار نوحاسته مباین با هنجارهای مقبول جامعه است ، اما چون گروه معترض بدان پایبند شده است و به قاعده ای برای رفتار تبدیل می شود. در چنین شرایطی ، آشوبگران نه تنها بخاطر کنش های شدید ، خشن و غیر اخلاقی خود احساس گناه نمی کنند ، بلکه آن کنش را مایه مباحثات خویش نیز می دانند.

#### ۵- نظریه فردیت زدایی زیباردو

پنجمین رویکرد روانشناختی مربوط به کنش های آشوب گرانه و بحران آفرین گروهی نظریه فردیت زدایی است . بر اساس نظریه فردیت زدایی انسانها وقتی که در گروه معترض جذب می شوند فردیت خود را از دست می دهند و بر اثر آن ممکن است مبادرت به کنش های خشونت آمیز و غیر عقلانی نمایند. از نظر حامیان این نظریه فردیت زدایی بر اثر سه عامل روانشناختی پدید می آید و به پیامد های خاصی منجر می شود. فور سایت (۱۳۸۰) عوامل پیش آیند ، واسطه ای و پس آیند فردیت زدایی را به شرح مندرج در جدول زیر خلاصه کرده است .

پیامد ها	تاثیرات واسطه ای	عوامل پیش آینده
رفتارهای قطبی	کاهش خود آگاهی	احساس گمنامی
افراط در رفتار	دگر گونی در تجزیه	پخش مسئولیت
واکنشهای نابه هنجار		احساس بر انگیزتگی

همانگونه که جدول بالا نشان داد احساس گمنامی ، پخش مسئولیت و ایجاد بر انگیزتگی شدید ، از جمله مهم ترین عواملی هستند که موجب فروکش کردن مهار شخص می شوند و اعضای گروه معترض را برای انجام رفتارهای خشن بر می انگیزد.

رهبران گروه اغلب برای فراهم ساختن این زمینه ، از روش ها مختلفی سود می برند. برای نمونه ، به منظور افزایش احساس گمنامی افراد همراه ، آنان را ترغیب می کنند تا از نام مستعار ، لباس مبدل و ماسک استفاده کنند. سر انجام سومین عامل مهمی که موجب فردیت زدایی می شود بر انگیزتگی هیجانی



است . به باور زیملاردو ، بر انگیزتگی ، احتمال بروز رفتارهای خشن و تحریک آمیز را به ویژه در جمعیت معترض افزایش میدهد . به نوشته فور سایت ، زیملاردو اظهار می دارد ، برخی مراسم جنگی از قبیل رقص جنگ و آواز های گروهی که پیش از شروع عملیات جنگ برگزار می شود در واقع به منظور برانگیختگی افراد طراحی می شوند تا بدین وسیله افراد پیش از شروع نبرد ، فردیت خود را از دست بدهند.(۱۳۸۰)

### ۶- نظریه ناکامی - پرخاشگری و محرومیت نسبی رابرت گر

بر اساس نظریه ناکامی پرخاشگری کنش های بحران آمیز و آشوب طلبانه گروهی از شهروندان ناشی از عدم دست یابی آنان به اهداف و مقاصد خویش است . تد رابرت گر (ترجمه مرشدی زاد ، ۱۳۷۷) بر اساس نظریه ناکامی - پرخاشگری ، نظریه ای جدید تحت عنوان " محرومیت نسبی " فرمول بندی نموده است که از آن طریق به تبیین شورش ها و آشوب های شهری می پردازد . پیش شرط لازم برای بروز رفتارهای خشونت آمیز جمعی شهری ، وجود محرومیت نسبی است که می توان آن را به عنوان احساس وجود اختلاف بین میزان توقعات و امکانات تعریف کرد . توقعات ، شامل آن دسته از تسهیلات و امکاناتی است که مردم خود را محق می دانند ، امکانات هم شامل آن سری از تسهیلاتی است که در محل زندگی وجود دارد.

### مولفه های روانشناختی خشونت گرای اغتشاشگران

مقایسه تعداد پژوهش هایی که از پایان قرن نوزدهم تا سال ۲۰۰۰ میلادی سالانه در نشریات روان شناسی به چاپ رسیده است، نشان می دهد که طی صد سال تحقیق ، تعداد بسیاری از پژوهش ها به خشونت و پرخاشگری اختصاص یافته و تعداد کتاب های منتشر شده در گروه ضد اجتماعی ، حدود ده برابر گروه اجتماعی بوده است . بر این اساس می توان استنباط کرد که شیوه و سبک زندگی رایج در شهرها به ویژه شهرهای بزرگ با ماهیت پیچیده و رو به تزاید آن و تحت تأثیر قانون ضمنی سبک زندگی در این شهرها (مبنی بر نفع گرایی و خودمحموری) به طور طبیعی منجر به افزایش گرایش انسان ها به سوی عصبانی شدن ، ضعف در حل مسائل فردی و اجتماعی ، بدرفتاری و به ویژه خشونت و پرخاشگری نسبت به دیگران می شود.

علاوه بر این ، در مسئله بروز و توسعه ناآرامی ها و اغتشاشات شهری ، صرف نظر از عوامل درونی و بیرونی موثر در این پدیده ، موضوع خشونت گرای برخی معترضان و افراد مخالف آنها در صحنه ، موضوع حائز اهمیت و تعیین کننده ای به شمار می آید . بر این اساس ، در ادبیات موضوع ، رفتارهای جمعی اعتراض آمیز به ویژه در ابعاد فردی و روان شناختی گرایش معترضان به خشونت و رفتار های



تخریبی، تاکنون بررسی های متعددی صورت گرفته و فرضیه ها و دیدگاههای متنوعی مطرح شده است که در اینجا به اختصار برخی از مهم ترین آنها مورد بررسی قرار می گیرد:

#### الف- تأثیر جماعت

طبق مرور الیاسی (۱۳۸۰) و بر اساس نتایج مطالعات لوبن در کتاب جماعت، رفتار مردم زمانی که در یک هیجان جمعی گرفتار شده اند، با رفتار آنان در گروه های کوچک تر و به صورت فردی تفاوت آشکار دارد؛ زیرا افراد در یک جماعت ناراضی آنچنان رفتاری قهرمان گونه و وحشیانه ای از خود بروز می دهند که به تنهایی هرگز حتی جرئت اندیشیدن پیرامون آن را ندارند. او در تبیین این تفاوت می نویسد: مردم هنگامی در جریان یک هیجان جمعی قرار می گیرند که در یک جماعت، موقتاً برخی قوای تعقل منطقی ای را که در زندگی عادی دارند، از دست می دهند. آنان بسیار تلقین پذیر می شوند و به آسانی تحت تأثیر رهبران متقاعدساز غوغاانگیز و عوام فریب قرار می گیرند. علاوه بر آن، افراد در جمع ناراضیان، دستخوش یک سیر قهقهه‌رایی به سوی ارتکاب انواع رفتارهای ابتدایی می شوند. شخص تنها و جدا از دیگران ممکن است فردی فرهیخته و خردورز باشد، اما جماعت او را به یک وحشی تبدیل می کند. او در جمع بر اساس غریزه عمل می کند؛ به همین خاطر رفتار او خود انگیزه، خشونت آمیز و وحشیانه می شود.

#### ب- فردیت زدایی

روان شناسان اجتماعی فهم لوبن را مورد بررسی مجدد قرار داده، تبیین های جدیدی بدان افزوده اند. در تبیین جدید، یکی از اصول اساسی، در تبیین فردیت زدایی است. بر اساس این اصل، آدم ها وقتی در یک جماعت معترض قرار می گیرند «فردیت» خود را از دست می دهند و در نتیجه آن، رفتارهای خشن و غیر قابل کنترلی از آنها سر می زند. به تعبیر دقیق تر؛ هیجانان تلطیف نشده و تکانه های سرکوب شده افراد، در جمع فرصتی برای بروز و تجلی پیدا می کنند. این تکانه های دارای ماهیت خشن و غیر انسانی، زمانی شدیدتر و بیشتر بروز می کنند که به سبب تراکم زیاد جمعیت معترضان، امکان «گمنامی» بیشتر باشد (الیاسی، ۱۳۸۰). به اعتقاد کلی (۱۹۸۵) مراد از فردیت زدایی، مسخ ویژگی ها و برانگیختگی های درونی و پنهان آدمیان نیست، بلکه منظور از آن، از بین بردن ماسکی است که آدمیان ناگزیر و اغلب ناهشیارانه بر چهره می زنند تا از خود موجودی خردورز، عقلایی، اجتماعی و نودوست، نه خشن و هیجانی به نمایش گذارند. وی همچنین اذعان می دارد که هر چقدر اعتماد به نفس و جسارت فردی آدمها کمتر باشد به همان میزان «رفتار خشونت آمیز» آنان در گروه بیشتر خواهد بود.



### ج - سرایت اجتماعی

اصل دیگری که روان شناسان اجتماعی به نظریه جماعت لوین افزودند ، اصل سرایت اجتماعی است . طبق این اصل ، صرف حضور جمع ، افراد را ترغیب به اندیشه و عمل یکسان می سازد ؛ زیرا ذهن گروهی از افراد که در یک فرایند جمعی اعتراض آمیز گرد آمده اند ، برانگیخته می شود و واکنش های عاطفی و هیجانی از شخصی به شخص دیگر سرایت می کند ؛ درست همان گونه که ویروس از شخصی به شخص دیگر سرایت می کند و به یکباره یک بیماری اپیدمی پدید می آید ، ویروس خشونت و مخالفت ورزی شدید نیز به یکباره در بین گروهی از افراد شیوع پیدا می کند. (Simon & et al, 1995)

برجسته ترین عامل روانی در شدت یافتن اغتشاش و پیوستن افراد دیگر به آن ، انتقال احساسات است . احساسات از یک فرد به فرد دیگر سرایت می کند و یک احساس و هیجان گروهی خیلی شدید به وجود می آید. تایلور و همکارانش (الیاسی، ۱۳۸۰) نیز تأکید می کنند که مهمترین دلیل نقض هنجارهای اجتماعی توسط جماعت معترض، عامل سرایت است ؛ زیرا وقتی یک یا چند نفر از معترضان ، به صورت تکانه ای یا آگاهانه ، هنجاری را نقض می کنند(برای مثال ، یک مأمور انتظامی را مورد یورش قرار می دهند یا شیشه یک ساختمان دولتی را آماج حمله قرار می دهند)، دیگران نیز نیاندیشیده و خودانگیخته با آنان «همنوایی» می کنند. گویی ، هنجارشکنی به یکباره به «هنجار» تبدیل می شود . در دیدگاه روان تحلیل گری فروید ، نظام روانی انسان به منزله یک هیدرولیکی تلقی می شود که فشارهای حاصل از «محرومیت های اقتصادی - اجتماعی»، «تنش های سیاسی» و «تعارضات روان شناختی» به صورت فزاینده در آن متراکم می شوند . اما ، نظام روانی انسان یک «ساز و کار سرکوبگری» دارد که تنش ها در ساختار ناهشیار ذهن فعال باقی می ماند و مترصد فرصتی هستند تا خود را بنمایانند . اگر تراکم فشارها و سرکوبگری ناشی از آن ، آنقدر افزایش پیدا کنند که ورای تحمل روان شناختی افراد شوند ، آنگاه ماهیت تخریبی پیدا می کند و به صورت کنش های تکانه ای و تهاجمی بروز می کنند . البته در این زمینه استثناهایی وجود دارد که یکی از آنها زمانی است که مقامات سیاسی و حکومتی با بقیه سوپاپ های اطمینان ، زمینه بروز اجتماعی پسند و تعدیل شده فشارها را فراهم می سازند.(Baron, 1992)

### د - ناکامی - پرخاشگری

دالارد و میلر<sup>۱۰</sup> در سال ۱۹۳۰ با طرح این فرضیه ، مطرح ساختند که پرخاشگری و اعتراضات جمعی مردم ، همواره ناشی از ناکامی است . آنها ناکامی را نیز حالتی می دانستند که بر اثر منع واکنش معطوف به هدف به وجود می آید . به بیان دیگر؛ این فرضیه اذعان می دارد هرگاه گروهی از مردم در تحقق خواسته ها و دستیابی به اهداف و آرزوهای خویش با موانعی روبه رو شوند ، واکنشی از خود نشان می دهند که



ممکن است منجر به آسیب رساندن به دیگران یا اموال عمومی شود (الیاسی، ۱۳۸۰). برکویتز<sup>۱۱</sup> (۱۳۷۲) فرضیه ناکامی-پرخاشگری را، به ویژه در حیطه رفتارهای جمعی اعتراض آمیز، مورد بازبینی قرار داده است. او در بازبینی این فرضیه، سه فرضیه دیگر را مطرح ساخته است. نخست اینکه، هر چقدر ناکامی های مردم در دستیابی به خواسته های خویش بیشتر باشد، به همان میزان پرخاشگری آنان شدیدتر و بیشتر است. دوم آنکه، هر چقدر انگیزه رفتار ناکام شده نیرومندتر باشد، فشار برای بروز کنش های پرخاشگرانه بیشتر خواهد بود و سوم آنکه، هر چه تعداد ناکامی های مردم بیشتر باشد، واکنش اعتراض آمیز آنان بیشتر خواهد بود. تحقیقات بعدی برکویتز دو اصل اول را مورد تأیید مجدد قرار داد، اما به شواهدی در تأیید فرضیه سوم دست نیافت. به همین سبب، نتیجه گرفت که اعتراض و پرخاشگری به عنوان واکنش در برابر ناکامی تا یک نقطه برشمار ناکامی ها روبه فزونی می نهد، اما پس از آن رو به کاهش می گذارد. دومین یافته، با نظریه محرومیت نسبی همخوانی کامل دارد؛ زیرا به اعتقاد برکویتز، آنچه موجب بروز کنش های جمعی اعتراض آمیز می شود، محرومیت و ناکامی مطلق نیست، بلکه ناکامی و محرومیت نسبی است. برکویتز در تبیین فرضیه سوم خود بر «انتظارات نهفته» تأکید می ورزد. به باور او وقتی که برشمار ناکامی ها افزوده می شود، «مردم وقوع آنها را انتظار دارند». به همین سبب، ناکامی کمتر منفی تلقی شده و در نتیجه، کمتر به پرخاشگری منجر می شود.

#### و - تسهیل اجتماعی

روان شناسان اجتماعی واکنش های شدید و پرخاشگرانه افراد در تجمعات اعتراض آمیز و علت اصلی شدت یافتن کنش های افراد در جمع را به اصل تسهیل اجتماعی نسبت می دهند. نورمن تریپلت<sup>۱۲</sup> این اصل را اولین بار در سال ۱۸۹۸ برای تبیین کنش های رقابت آمیز غیر پرخاشگرانه مورد استفاده قرار داد. اما امروزه از آن برای تبیین کنش های جمعی اعتراض آمیز نیز استفاده می شود. طبق این اصل حضور دیگران موجب تسهیل عملکرد (Bierhoff, 2002) و تشدید کنش های تک تک افراد می شود. به باور تایلور و همکارانش (الیاسی، ۱۳۸۰) حضور در جمع و دیگران را ناظر و تماشاچی رفتار خود دیدن، هر یک از کنش گران را برای بروز کنش های جمعی شدیدتر برمی انگیزد. چنانچه این کنش ها به تحقق هدفی منجر شوند که گروه معترض در پی کسب آن است، از آن پس استمرار می یابند. اما چنانچه با موانعی جدی مواجه شوند یا تشدید رفتارهای جمعی نتوانند بر آن موانع چیره شوند، چنان کنش هایی را استمرار نمی بخشند.

تجزیه و تحلیل های انجام شده نشان می دهد که حضور افراد دیگر، اجرای کارهای ساده را تشدید می کند، اما اجرای کارهای دشوار را با مشکل مواجه می سازد. در تکمیل این بحث، نظریه درک مورد

11-Berkowitz  
12-Norman Triplett



ارزیابی قرارگرفتن یک گام فراتر گذاشته و اعلام می دارد صرف حضور دیگران فقط در صورتی موجب تسهیل اجتماعی می شود که اشخاص توجه خود را به موضوع فعالیت معطوف کنند و نحوه اجرای آن را مورد دقت قرار دهند. بر این اساس، مشاهده گران زمانی می توانند موجب تسهیل اجتماعی شوند که نحوه اجرا را مورد ارزیابی قرار دهند. (Bierhoff, 2002)

در چارچوب همین رویکرد، لاتانه ۱۳ (۱۹۸۱) نیز «مدل تأثیر اجتماعی» را مطرح ساخته است. به باور او، هر چند کنش های افراد در گروه تشدید می شود، لیکن شدت این کنش ها به سه عامل تعداد، نزدیکی و نیرومندی اعضای گروه بستگی دارد؛ بدین معنی که با افزایش تعداد اعضای یک گروه (جماعت) معترض، واکنش های معترضانة هر یک از اعضا فزونی می یابد. همچنین، میزان پیوند و انسجام اعضای گروه و میزان نیرومندی گروه (بر اساس ادراک افراد از گروه) بر شدت کنش ها می افزاید.

به تعبیر دیگر؛ چنانچه هر یک از افراد احساس کنند که در شرایط بحرانی، دیگران از آنان حمایت می کنند، احساس ایمنی آنان فزونی می یابد و در نتیجه، تهاجمی تر بر مقامات سیاسی و نمایندگان آنان یورش می برند. همچنین، اگر ناراضیان معترض احساس کنند که گروه آن قدر قدرت و پتانسیل دارد که مقامات حکومتی را به تسلیم وادارد، کنش های اعتراضی شدیدتر از خود بروز می دهند. افزون بر آن، تایلور و همکارانش معتقدند گروهی بیشتر می تواند افراد را به کنش های شدید و تخریبی سوق دهد که واجد ویژگی های خاصی باشد. آنها برخی از آن ویژگی ها را چنین برمی شمارند:

الف- برخورداری از یک رهبر قوی در صحنه اعتراضات جمعی؛

ب- توانایی توجیه اخلاقی کنش های تخریبی معترضان؛

ج- توانایی توجیه عقلایی مواضع خود؛

د- توانایی معرفی خود به عنوان گروه منحصر به فرد، ممتاز و تنها آلترناتیو بهبود شرایط موجود.

#### ر - عکس العمل متقابل

به نظر جک برم ۱۴ (کریمی، ۱۳۷۴) هر گاه افراد جامعه احساس کنند که آزادی و احساس کنترل آنها سلب شده است، نقشی در اداره امور ندارند، مقامات حکومتی ارزشی برای نظرات آنان قائل نیستند، برانگیخته می شوند و بر اثر این برانگیختگی و تنش درونی، مبادرت به یک سری کنش های هیجانی و شدید می کنند تا بار دیگر احساس کنترل و آزادی سلب شده خویش را به دست آورند. به عبارتی؛ بر اساس این نظریه، از دست دادن احساس کنترل و تهدید شدن آزادی فرد، یک حالت روان شناختی عکس العمل به وجود می آورد. این حالت روان شناختی به اینجا منجر می شود که شخص دست به

<sup>۱۳</sup> Latane

<sup>۱۴</sup> Jack Brom



اعمالی بزند که به نظر او، به او کمک می کند تا کنترل خود را بر اوضاع حفظ کرده ، آزادی شخصی خود را به دست آورد.

#### ز - گمنامی

اغتشاشگران به دلیل زیاد بودن و موقتی بودن اجتماع برای یکدیگر ناشناس هستند و فکر می کنند در اجتماع شناخته نخواهند شد؛ زیرا فرد در داخل یک جمعیت آشوبگر شخصیت واقعی خود را از دست داده و فکر می کند که مسئولیت اخلاقی کارهایش به عهده او نیست و مورد مذمت و سرزنش دیگران قرار نخواهد گرفت.

#### ه - رهایی از قید و بندهای اجتماعی و پاسخ به هیجانات درونی

برخی خواسته ها و امیال نامشروع و غیرقانونی افراد که معمولاً در مواقع عادی قابل کنترل است و ترس از مجازات ، تنبیه و سرزنش های اجتماعی مانع برآورده شدن و ارضای آنهاست ، با شرکت در اغتشاش و بلوا آزاد می گردد.

#### س - تلقین

رهبران و محرکان گروه های اغتشاشگر ، عقاید و افکار خود را به دیگران تلقین می کنند . معمولاً پذیرش عقاید محرکان از طرف جمعیت آشوبگر، بدون دلیل منطقی و بدون تشخیص نتایج مخرب آشوب ، صورت می پذیرد.

#### ش - نوظهوری (تازگی)

هنگامی که اشخاص دیگر شاهد آشوب و اغتشاش هستند ، اغلب بدون تصمیم و اراده برای اطلاع از کم و کیف قضیه به محل واقعه رفته و همین موضوع سبب می شود که جمعیت بیشتری در آشوب حضور داشته باشند و برای ارضای حس کنجکاوی خود به همراه جمعیت به حرکت در می آیند تا در جریان تمام اتفاقات بعدی باشند.

#### ض - پیشنهاد و تقلید

هنگامی که گروه یا طبقه ای از اجتماع با ترتیب دادن میتینگ و راه اندازی تظاهرات بتوانند از دولت امتیازی کسب کنند ؛ گروه های اجتماعی دیگر نیز برای کسب امتیاز از عمل همان دسته تقلید کرده و دولت را وادار به تمکین می کنند.

#### ط - عملیات روانی حریف و دشمنان

دشمنان ، فرصت طلبان ، معاندین ، منافقین و سلطنت طلبان با حمایت استکبار جهانی و با استفاده از تمامی ظرفیت های تکنولوژی ، شبکه های مجازی و ماهواره به منظور ایجاد جو بدبینی و احساس یاس و ناامیدی نسبت به وضعیت موجود و آینده مبهم بستر و زمینه تحریک افراد را فراهم آورده و زمینه ساز





ظهور و بروز شکل گیری تجمعات صنفی و ... می گردند و روش های آشوب و تخریب و ترویج خشونت را آموزش می دهند.

#### ق - نقش محرکان و رهبران آشوب

یک آشوبگر ماهر با تحریک احساسات مردم عصبانی می تواند یک تجمع ساده را به آشوب و آنگاه آن را به سمت و سوی دلخواه خود هدایت کند و با شعارها و سخنان آتشین، مردم را برای ارتکاب اعمال مخرب و ویرانگر آماده سازد و از جمعیت تحریک شده بخواهد که با ایستادگی در مقابل مأموران، دولت را مجبور به پذیرش خواسته های غیرقانونی خود نمایند. (الیاسی، ۱۳۸۰)

تبیین های روان شناختی اجتماعی کجروی

الف) نقصان و ناکارآمدی جریان جامعه پذیری؛

ب) نقصان و ناکارآمدی جریان کنترل اجتماعی؛

ج) تعدد نامتناسب جریانهای اجتماعی و کنترل کننده.

نیل اسملسر شش عامل را به عنوان عوامل اولیه یا ایجاد کننده آشوب و هر نوع جنبش اجتماعی دیگر ضروری می داند.

این عوامل عبارتند از:

الف) زمینه ساختاری)

در جوامعی که ابراز اندیشه، مباحثات، جدلها، اعتراضات و مبارزه آحاد جامعه با هرگونه انحراف، ممنوع یا غیرممکن باشد، بیان افکار و عقاید، از طریق رفتارهای خودانگیخته توأم با خشونت و آشوب صورت می گیرد.

ب) فشار ساختار نامناسب)

فشار ساختار نامناسب سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مانند تبعیض، نابرابری، فقر، عدم دخالت مردم در تعیین سرنوشت کشور و تقسیم کار اجتماعی؛ از عوامل ایجاد کننده آشوب و جنبش اجتماعی می باشند.

ج) باور تعمیم یافته)

وجود اندیشه ها و عقاید مشترک بین مردم در مورد ارتباط بین متغیرهای خاص و همچنین اعتقاد عمومی به توانایی تغییر در وضعیت موجود و سیر به سوی وضعیت مطلوب می تواند به رفتار جمعی منجر شود.

د) عوامل شتاب دهنده)



پس از ظهور رفتار جمعی (ازدحام یا تجمع)، برخی از عوامل می تواند موجب تشدید این رفتار شود؛ مانند برخورد نامناسب مأموران.

پیشنهادها

۱. ایجاد ساز و کارهایی در جامعه به منظور پیشگیری از انباشت خشم های فرو خورده و سرکرب شده در مردم و ترویج روش های کم هزینه و سالم تر به منظور بروز خشم و خشونت .
۲. پیشگیری از درگیری زود هنگام پلیس با معترضان و استفاده حداکثری از اقدامات نرم و بازدارنده و تجهیزات نوین به منظور کاهش شدت آسیب ها و هزینه های اغتشاشات.
۳. آموزش افزایش تاب آوری ، سعه صدر و خویشتن داری کارکنان در برابر معترضان در اغتشاشات.
۴. باز گذاشتن راههای فرار و گریز معترضان به نحوی که در صورت اقدام مامورین نسبت به جمعیت معترض بتوانند از صحنه خارج شوند و پل پشت سر آنان تخریب نگردد.
۵. پرهیز از کشته سازی و ایجاد جراحت های منجر به خونریزی به منظور عدم تحریک احساسات و هیجانات جمعیت معترض.
۶. توجه و دقت در صبغه تاریخی و فرهنگی و اجتماعی حوزه درگیری و پرهیز از درگیری با زنان و اقشار خاص به منظور پیشگیری از افزایش خشونت ها.
۷. نیروهای کنترل کننده در راستای فعالیت های فرهنگی و اجتماعی خود ، با اشراف اطلاعاتی بر تنش های احتمالی موجود در گروههای سیاسی و اجتماعی ، هماهنگی ها و اقدامات لازم را برای خنثی سازی و تخلیه انرژی های متراکم گروهها و جمعیت های تعیین کننده جامعه به کمک سایر سازمان ها تعقیب کنند.
۸. دستگیری هدفمند لیدرها و محرکین و رهبران آشوب به منظور جلوگیری از خط ندادن به جمعیت.
۹. پیگیری جدی طرح و برنامه های فرهنگی و اجتماعی برای توسعه آموزش سبک زندگی مطلوب ، رفتار مدنی و کنترل خشونت گرایی در رفتار فردی و اجتماعی به ویژه برای نسل جوان؛
۱۰. کمک به آموزش مهارت های حل مسئله اجتماعی جوانان از طریق برنامه های فرهنگی و اجتماعی و...؛
۱۱. تأمین فرصت های نشاط و تخلیه هیجانی برای جوانان از طریق موقعیت های کمتر آسیب زا؛
۱۲. افزایش منزلت و اعتبار اجتماعی نیروهای کنترل کننده و بهبود روابط اجتماعی؛ نیروهای کنترل کننده با اقشار مختلف جامعه به ویژه جوانان و... .



۱۳. پرهیز از هر گونه افراط یا تفریط در کنترل ناآرامی ها آثار نامطلوبی در افزایش ضریب بروز مجدد ناآرامی ها یا توسعه سریع تر آن به دنبال داشته باشد .
۱۴. ساماندهی جریان سازی مقابله با جنگ نرم از طریق تقویت باورها ، شفاف سازی در اطلاع رسانی و تهاجم مقابله ای با حملات دشمن .
۱۵. ورود سازماندهی شده جمعیت انقلابی مدافع نظام جمهوری اسلامی ایران به شبکه های اجتماعی به دلیل منطق جمعیت و کثرت این شبکه ها که می تواند خنثی کننده عملیات روانی و تبلیغی این شبکه ها باشد
۱۶. بسترسازی و ایجاد ظرفیت های لازم برای تخلیه هیجانات جمعی معترضان .
۱۷. استفاده حداکثری از ظرفیت اقناع سازی و مذاکره توسط افراد روانشناس و صاحب بیان .

### نتیجه گیری

از آنچه گذشت ، چنین می توان نتیجه گرفت که کنش های آشوبگرانه شهری ، اغلب دارای بار هیجانی و احساسی شدید و جهت گیری خردورزانه محدودی است . گرچه اغلب مدت استمرار این کنش ها کوتاه است ، اما دامنه اثرات روانی و امنیتی آنها بسیار شدید است . یافته های تحقیق مبرهن این موضوع است که می توان با هوشمندی و برنامه ریزی اجرایی در روند مدیریت انتظامی از فنون عملیات روانی بهره گرفت و موجب تسلط بر هجمه های سازمان دهندگان کنش های آشوبگرانه و خنثی سازی فعالیت های مخرب آنان شد . چرا که سیاست مدبرانه در مقابله روان شناختی و نه فیزیکی محض ، با این گونه کنش ها توفیق بیشتری را در هدف اصلی که همان انتظام بخشی اجتماعی است به همراه دارد . زیرا بسیاری از رفتارهای انتظامی و عملیات های مقابله ای و فیزیکی در شرایط التهاب اجتماعی می تواند به راحتی یک تجمع اعتراضی ساده را به یک اغتشاش گسترده بحران زا مبدل سازد و بالعکس با انجام برخی تدابیر نرم و سیاستمدارانه می توان در بطن آشوب وارد افکار عمومی شد و اقشار مختلف را نه در مقابل بلکه همراه و همسو با خود کرد . این یک هنر مدیریتی که توفیق در آن مستلزم یک برنامه ریزی مدون و مستمر است که در شرایط عادی غفلت نشود و در بحران عجزلانه تصمیم گیری نکرد و پس از بحران فعالیت های ترمیمی و اصلاحی را فراموش نکرد . از طرف دیگر در سطح کلان کشور بویژه در سطوح اقتصادی ، سیاسی ، فرهنگی و حتی اجتماعی تدابیری سازنده اندیشیده و نسبت به شفاف سازی و ایجاد عدالت اجتماعی در جامعه قدم های اساسی برداشته در غیر این صورت احتمال زیادی وجود داشته که این تجمعات و اغتشاشات در مناسبت های مختلف و با حمایت سردمداران در خارج از کشور مدیریت و موجب شکل گیری بحرانی جدی جهت نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران گردند . امید است کلیه



مسئولین و مدیران ارشد کشور صادقانه و خالصانه جهت پیشبرد اهداف نظام اسلامی بویژه با پیروی از رهنمودهای حکیمانه رهبری نسبت به خدمت رسانی به مردم اقدام نمایند. نتایج مطالعات میدانی در حوزه اغتشاشات شهری در ایران (شریفی، ۱۳۸۴) نشان می دهد خشونت معترضان نسبت به همه متغیرهای مورد بررسی، بیشترین تأثیر را در بروز و توسعه ناآرامی های شهری داشته است. به عبارتی بهتر؛ مطابق با گزارشهای موجود، آنچه موجب بروز و توسعه ناآرامی ها شده، در گام اول بدرفتاری ها، رفتارهای غیرقانونی، تحریک آمیز و خشونت طلبانه معترضان بوده است. این گونه اقدامات معمولاً زمینه را برای برهم ریختن نظم عمومی و بروز ناآرامی ها فراهم می کند. لذا فارغ از عوامل درونی و بیرونی مؤثر در بروز و تشدید این رفتار، آنچه در گام اول اهمیت دارد، مدیریت و کنترل رفتار افراد خشونت گرا در صحنه اجتماعی است. علاوه بر خشونت معترضان، اقدام مشابه و غیرقانونی گروه مقابل آنها (عوامل خودسر) نیز تأثیر زیادی در بروز ناآرامی ها دارد؛ به طوری که در پی رفتارهای تحریک آمیز معترضان، رفتارهای قانون شکنانه عوامل خودسر و میل آنها به مداخله جویی غیر مسئولانه در مقابله با رفتارهای تحریک آمیز معترضان، باعث تشدید تنش های ناشی از خشونت طلبی معترضان می شود. بررسی سوابق موجود نیز نشان می دهد رفتارهای غیر مسئولانه و احساسی این گونه افراد معمولاً به عنوان عامل تسریع کننده، حادثی را به وجود آورده که موجب بروز ناآرامی ها و میل معترضان به رویارویی با آنها و تمایل به تسویه حساب شده است. لذا ضروری است با وجود احتمال دائمی بروز ناآرامی ها، رفتار این گونه گروهها را از طریق کنترل های اطلاعاتی زیر نظر داشت و با مداخله بهنگام، از اقدامات غیرقانونی و تحریک کننده آنها ممانعت کرد. عامل مؤثر دیگر که با وجود ماهیت موقعیتی خود، نقش روان شناختی قابل توجهی در رفتار معترضان خشونت گرا دارد، نقش منابع حمایتی به ویژه تماشاچیان است.

یکی دیگر از شرایط موقعیتی که رفتارهای اعتراض آمیز را تسهیل می کند، حضور دیگران (تماشاچیان حاضر در صحنه) یا به عبارتی بهتر؛ توجه و حمایت آنهاست. حضور جمع و دیگران را ناظر و تماشاچی رفتار خود دیدن، روحیه معترضان را تقویت و انگیزه آنها را برای کنش های جمعی شدیدتر افزایش می دهد. چنانچه این کنش ها به تحقق هدفی منجر شود که گروه معترض در پی کسب آن است، از آن پس استمرار می یابند؛ اما چنانچه با مدافعی جدی مواجه شوند یا با تشدید رفتارهای جمعی نتوانند به آن موانع چیره شوند، چنان کنش هایی را استمرار نمی بخشند. بر همین اساس و مطابق با دیدگاههای رفتارگرا می توان با کنترل تماشاچیان و عدم دریافت تقویت برای معترضان خشونت گرا، زمینه خاموشی رفتار آنها را



فراهم کرد .

تماشاچیان در صحنه ناآرامی ها معمولاً از مقتضیات امنیتی حاکم بر شرایط اغتشاش و ضرورت های مطرح در پیشگیری از تبدیل یک اعتراض معمولی و صنفی به یک بحران اجتماعی آگاهی ندارند و به دلیل آنکه معمولاً تحت تأثیر احساسات، عواطف و درک ناقص خود از صحنه به ارزیابی دست می زنند، لذا ممکن است تا حدی در ارزیابی ویژگی های رفتاری پلیس، راه افراط را در پیش گرفته باشند؛ به ویژه آنکه برخی تماشاچیان جرئت ابراز وجود به شکل اعتراض علنی را ندارند. لذا ممکن است با استفاده از مکانیسم های دفاعی با افراد معترض همانند سازی کنند و تمایل داشته باشند تا آنها امیال و آرزوهای آنها را برآورده کنند.

طبق نتایج پژوهشهای موجود (مثل شریفی، ۱۳۸۴) گروه تماشاچیان در موقعیت محلات شهر نسبت به موقعیت های دانشگاهی از انسجام و سازمان یافتگی بیشتری برخوردارند و به نظر می رسد دریافت حمایت های محلی از اماکن محل و همسایگان، شناخت بیشتر از مقدمات و امکانات محیط جغرافیایی، احساس اطمینان و امنیت بیشتر در محل خود و روحیه قوی تر به واسطه تعلق محلی و قومی، تأثیر قابل توجهی در روحیه و انسجام معترضان و تماشاچیان دارد. لذا ضروری است در گام اول تلاش شود منطقه ناآرامی ها به محلات گسترش نیابد و در گام بعدی در صورت تسری به محلات، در تهیه طرح و برنامه های کنترل ویژه ناآرامی ها در محلات ملاحظه فاکتورهای فوق را نمود.

### منابع و مأخذ:

- افشار، علی (۱۳۸۴)، بررسی عوامل مؤثر بر عملکرد نیروی انتظامی در مقابله با ناآرامیها و اغتشاشات دانشجویی شهر تهران، پایان نامه کارشناسی
- تد، رابرت گر (۱۳۷۷)، چرا انسانها شورش می کنند. ترجمه علی مرشدزاده، تهران: نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی
- پرسمان سیاسی-ویژه اغتشاشات اخیر-مجله علمی تحقیقاتی عقیدتی سیاسی ناجا-معاونت سیاسی-مرکز مطالعات سیاسی-دی ماه ۱۳۹۶
- جمراسی فراهانی، علی اصغر (۱۳۷۵)، بررسی مفاهیم نظریه امنیت تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی
- دستمالچی، مهدی کنترل اطلاعاتی اجتماعات و ناآرامی ها-تهران- نیروی انتظامی-معاونت تربیت و آموزش -اداره کل منابع و متون درسی-۱۳۹۴



- شاه بهرامی-فرخ الله- اغتشاشات و نا آرامی ها- ۱۳۸۸
- الیاسی و همکاران - اغتشاش ، شورشگری و عملیات روانی -۱۳۸۸
- فلاح - علی- مدیریت بحران با رویکرد انتظامی-معاونت تربیت و آموزش ناجا-چاپ اول ۱۳۹۲
- مدیریت بحران- جلد ۱ و ۲-گروهی از نویسندگان و کارشناسان ناجا-نشر معاونت تربیت و آموزش ناجا- ۱۳۹۰
- مطالعه موردی گزارش ویژه مدیریت بحران-اغتشاشات دی ماه ۱۳۹۶ استان اصفهان-معاونت اجتماعی فرماندهی انتظامی استان اصفهان